

موسیقی از دیدگاه اسلام



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

سپاس بیکران خداوند حکیم و صلوات فراوان بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

یکی از تفریحات بشر گوش دادن به موسیقی هست. بسیاری از مردم بخصوص جوانان به موسیقی علاقه مند هستند و از آن فراوان استفاده می کنند.

اما نظر اسلام درباره موسیقی چیست؟ آیا اسلام کلاً با موسیقی مخالف است؟ یا اینکه موسیقی را به دو قسمت تقسیم کرده و یکی را بد می داند و دیگری را جایز می داند؟

در این کتاب درباره نظر اسلام درباره موسیقی بررسی صورت پذیرفته است امید است مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

بهار 1402. کرمانشاه

موسیقی از دیدگاه اسلام

اسلام اگر عملی را ممنوع می کند بدون دلیل نیست بلکه بخاطر ضررهای آن عمل است. اگرچه شاید آن عمل فوایدی هم داشته باشد مانند شراب که قرآن می گوید در آن فوایدی است ولی ضرر آن بیشتر می باشد.

موسیقی هم از نظر اسلام اگر غنا باشد ممنوع است زیرا ضررهای زیادی دارد. لذا هیچیک از پیامبران و امامان و علمای اسلام از موسیقی استفاده نمی کردند حتی آن نوع موسیقی که غنا در آن نباشد هم آنها هیچوقت گوش نمی دادند و در برنامه های موسیقی شرکت نمی کردند. خود این نشان دهنده آن است که موسیقی مورد نظر پروردگار عالمیان نیست و عمل خوبی نمی باشد. همچنین در بیانات معصومین علیهم السلام بشدت از گوش دادن به موسیقی نهی شده است.

آیات و روایات درباره موسیقی:

«آیاتی مثل «و اجتنبوا قول الزور»¹

... و من الناس من یشتري لهو الحديث»²

دلالت بر حرمت موسیقی دارند، چون طبق نظر و اجماع علمای شیعه و سنی، منظور از لهو الحديث در این آیه «غنا» می باشد.

روایاتی بسیار فراوان از شارع مقدس در این زمینه وارد شده است که بیانگر حرمت موسیقی مبتذل و مطرب می باشد. رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در این مورد می فرماید:

¹ حج، 30.

² لقمان، 6.

«استماع صوتِ المَلاهی معصیة و الجلوسُ علیها فسقٌ و التلذذ بها من الکفر»³

گوش فرادادن به صدای لهوی گناه است و نشستن در مجلس آن، فسق و لذت بردن از آن، کفر «
می باشد».

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله

. أَنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ و لِّأَمَحَقِّ الْمَعَازِفِ و الْمَزَامِيرِ و أُمُورِ الْجَاهِلِيَّةِ

:رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود

خداوند مرا مبعوث کرد تا رحمتی برای جهانیان باشم و ساز و نی ها و امور جاهلیت را نابود سازم.

قال الامام الصادق - عليه السلام

. بَيْتُ الْغِنَاءِ بَيْتٌ لَا تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ و لَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ و لَا تَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ

امام صادق - عليه السلام - فرمود

خانه ای که در آن غناء و ساز و آواز نواخته شود، از مصیبت ها و بلاهای دردناک در امان نیست و
دعا در آن خانه مستجاب نمی گردد و فرشتگان به آن خانه وارد نمی شوند

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله

³ به نقل از مجالس الادب و الغنا، مجد عرفه المغربي، فصل موسیقی بعد از اسلام³

. كان إبليسُ أَوَّلَ مَنْ تَغَنَّى

رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود

ابلیس نخستین کسی است که به غناء و آوازه خوانی پرداخت

قال الامام الباقر - عليه السَّلام

. الْغِنَاءُ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ وَ تِلَا هَذِهِ الْآيَةُ: وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثَ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

:امام باقر - عليه السَّلام - فرمود

غنا و آوازه خوانی از جمله گناهانی است که خداوند برای آن وعده آتش داده است، سپس این آیه را تلاوت فرمود

برخی از مردم کسانی هستند که سخن بیهوده را می خرند تا دیگران را از روی نادانی از راه خدا «گمراه کنند و آیات الهی را به استهزاء گیرند، برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود

. قال الامام الرضا - عليه السَّلام - : اِسْتِمَاعُ الْاَوْتَارِ مِنَ الْكِبَائِرِ

امام رضا - عليه السَّلام - فرمود

. گوش دادن به (صدای) تارهای موسیقی از گناهان کبیره است

عن ابی عبدالله - عليه السَّلام - فی قول الله تعالى

و اجتنبوا قولَ الزُّورِ» (حج، ۳۰)، قال: قول الزُّورِ الغِناءُ»

امام صادق - علیه السّلام - درباره سخن خداوند که می فرماید: «از گفتار باطل پرهیزید» فرمود:
گفتار باطل همان غناء است

. قال الامام الصّادق - علیه السّلام - : شرُّ الأصواتِ الغِناءُ

امام صادق - علیه السّلام - فرمود: بدترین صداها، غناء (و آوازه خوانی) است

. قال الامام الصّادق - علیه السّلام - : الغِناءُ مجلسٌ لا ينظرُ اللهُ إلى أهلهِ

امام صادق - علیه السّلام - فرمود

مجلس غناء مجلسی است که خداوند به اهل آن نظر (لطف و رحمت) نمی کند

. قال الامام الصّادق - علیه السّلام - : الغِناءُ يورثُ النفاقَ و يُعقبُ الفقرَ

امام صادق - علیه السّلام - فرمود

غناء و آوازه خوانی باعث نفاق و دورویی شده و فقر و تنگدستی را به دنبال دارد

. قال الامام الصّادق - علیه السّلام - : الغِناءُ عُشُّ النفاقِ

امام صادق - علیه السّلام - فرمود: غناء و آوازه خوانی، لانه نفاق و دورویی است

. قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : الغناء رُقِيَّةُ الزَّنا

. رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود: غناء و آوازه خوانی، پله کان زناکاری است

. قال الامام الصادق - عليه السلام - : الغناء يُورِثُ الفقر

. امام صادق - عليه السلام - فرمود: غناء و آوازه خوانی موجب فقر و تنگدستی می گردد

. قال الامام الباقر - عليه السلام - : الغناء يُنْبِتُ النفاقَ في القلب كما يُنْبِتُ النخلُ الطلع

: امام باقر - عليه السلام - فرمود

غناء و آوازه خوانی نفاق و دروئی را در دل می رویاند همان گونه که درخت نخل، خوشه خرما را
رویش می دهد

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله

. . . أَرْبَعُ يُفْسِدُنَ القلبَ و يُنْبِتُنَ النفاقَ في القلب كما يُنْبِتُ الماءُ الشجرَ؛ إِسْتِمَاعُ اللّهُو

رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود

چهار چیز است که قلب و روح را تباه و نفاق را در آن می رویاند، همچنان که آب، درخت را می
رویاند؛ (یکی از آنها) گوش دادن به چیزهای لغو و بیهوده است

... قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : ثلاثٌ يَقسينَ القلبَ: إستماعُ اللّهُو

رسول خدا - صلى الله عليه و آله - فرمود

سه چیز باعث قساوت و سنگ دلی می گردد: (یکی از آنها) گوش دادن به چیزهای لغو و بیهوده است.

. قال الامام الصادق - عليه السّلام - : إستماعُ اللّهُو و الغناء يُنبِتُ النفاقَ كما يُنبِتُ الماءُ الزَّرْعَ

:امام صادق - عليه السّلام - فرمود

گوش کردن به چیزهای بیهوده و غناء و آوازه خوانی، نفاق را می رویاند همان گونه که آب کشتزار را می رویاند.

. قال الامام الصادق - عليه السّلام - : لا يَحِلُّ بَيْعُ الغِناءِ و لا شِراءُهُ و استماعُهُ نفاقٌ و تعليمُهُ كُفْرٌ

امام صادق - عليه السّلام - فرمود

خرید و فروش (آلات) غناء و ساز و آواز حلال نیست و گوش دادن به آن، نفاق و دورویی و آموزش دادنش، کفر و بی دینی است.

. قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : مَنْ استمعَ إلى اللّهُو يُذابُ في أُذُنِهِ الآنْكَ

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود

کسی که به چیزهای لِه و بیهوده گوش فرادهد (روز قیامت) در گوشش سرب گداخته (و ذوب شده) ریخته می شود

قال رسول الله - صلی الله علیه و آله

يُحْشَرُ صَاحِبُ الطَّنْبُورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ أَسْوَدُ الْوَجْهِ وَ بِيَدِهِ طَنْبُورٌ مِنْ نَارٍ وَ فَوْقَ رَأْسِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، بِيَدِ كُلِّ مَلَكٍ مِقْمَعَةٌ يَضْرِبُونَ رَأْسَهُ وَ وَجْهَهُ

:رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود

دارنده طنبور (نوعی از آلات موسیقی) روز قیامت محشور می شود در حالی که صورتش سیاه و در دستش طنبوری از آتش است و بالای سرش هفتاد هزار فرشته قرار دارند که در دست هر کدام از آنها عمودی آهنین است که بر سر و صورتش می زنند

قال رسول الله - صلی الله علیه و آله

. يُحْشَرُ صَاحِبُ الْغَنَاءِ مِنْ قَبْرِهِ أَعْمَى وَ آخِرْسَ وَ أَبْكَمَ

:رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود

دارنده (آلات) غناء و آوازه خوانی محشور می شود در حالی که کور و کر و لال است

سوال:

نقل شده در عروسی حضرت زهرا(س) دف مینواختند سند صحیح دارد و آیا لهوی بوده؟

جواب خلاصه: مسئله ای که متأسفانه امروزه الت دست بسیاری از مردم قرار گرفته و به ان ارجاع می دهند مسئله وجود دف و صوت در مراسم عروسی حضرات علی و زهرا میباشد. آنچه از کتب معتبر در مورد نحوه برگزاری مراسم عروسی حضرت زهرا و علی علیهما السلام وارد شده تنها این است که در شب عروسی، دختران عبدالمطلب و بنی هاشم و زنان مهاجر و انصار و در پیشاپیش آنان، زنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) عروس نور را در این راه همراهی می کردند. ام سلمه، عایشه، حفصه و معاذه برای این عروس و داماد شعر می خواندند. دیگران نیز اول بیت هر شعری را تکرار می کردند و تکبیر می گفتند. (بحارالانوار: ج 43، ص 97) این روایت نشان می دهد که در عروسی آن بزرگواران دست زدن و صوت زدن در کار نبوده است. آنچه در باره ازدواج حضرت زهرا(علیها السلام) از تاریخ و احادیث معتبر استفاده می شود، این است که رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) در شب عروسی دختر گرامی شان به زنان دستور دادند اظهار خوشحالی کنند؛ ولی چیزی که موجب خشم خداوند باشد، انجام ندهند. گفته شده که عایشه و برخی از زنان، اشعاری در فضیلت و مقام حضرت زهرا(علیها السلام) می سرودند و اظهار سرور و شادمانی می کردند. (بحارالانوار، ج 43، ص 115). و مسئله دف و دایره زنی در احادیثی که هیچ سند و اعتباری ندارد، بیان شده است. (دعائم الاسلام، ج 2، ص 206). و اما احادیثی که بیان میکنند در مراسم این حضرات دف وجود داشته است مربوط به اهل سنت میباشد. زیرا که اهل سنت غنا و دف زنی را در مراسم شادی و بخصوص هنگام بازگشت از جنگ حلال میدانند. (سنن نسایی، ج 3، ص 194؛ صحیح بخاری، ج 6، ص 137؛ سنن ترمذی، ج 2، ص 276؛ سنن ابی داود، ج 2، ص 104؛

نظر امام خمینی درباره موسیقی:

امام به مسئولان صدا و سیما پیشنهاد می کرد که برنامه های علمی و آموزنده را جایگزین موسیقی کنید. در ارتباط با نگرانی هایی که درباره حذف موسیقی از صدا و سیما وجود داشت، ایشان اظهار داشتند:

«این که می گویند چنانچه موسیقی در رادیو نباشد مردم می روند موسیقی را از جای دیگر می گیرند، بگذار از جای دیگر بگیرند. شما عجالاً آلوده نباشید. آن ها هم کم کم به این جا برمی گردند. حال اگر از جای دیگر موسیقی بگیرند، ما باید به آن ها موسیقی بدهیم؟ ما باید خیانت کنیم؟ این موسیقی را به کلی حذف کنید. عوض این یک چیزی بگذارید که آموزنده باشد. کم کم مردم را و جوان های مردم را عادت به آموزندگی بدهید. از آن عادت خبیثی که داشتند، برگردانید.»^۴

نظر مقام معظم رهبری درباره موسیقی:

کلماتی از رهبر فرزانه انقلاب را به عنوان مرجعی دینی تقدیم می نمایم که دقت در آنها می تواند ملاک خوبی برای تشخیص موسیقی و آهنگ باشد

بینید، موسیقی اگر انسان را به بیکارگی و ابتذال و بی حالی و واخوردگی از واقعیتهای زندگی و «امثال اینها بکشاند، این موسیقی، موسیقی حلال نیست؛ موسیقی حرام است موسیقی اگر چنانچه انسان را از معنویت، از خدا و از ذکر غافل کند، این موسیقی حرام است. موسیقی اگر انسان را به گناه و شهوترانی تشویق کند، این موسیقی حرام است؛ از نظر اسلام این است. موسیقی اگر این خصوصیات مضر و موجب حرمت را نداشته باشد، البته آن وقت حرام نیست. اینهایی را که من گفتم، بعضی از

۴. صحیفه امام خمینی، ج ۸، ص ۱۹۷

آنها در موسیقی بی کلام و در سازها است؛ بعضی هم حتی در کلمات است. یعنی ممکن است فرضاً یک موسیقی ساده ی بی ضرری را اجرا کنند، لیکن شعری که در این موسیقی خوانده می شود، شعر گمراه کننده یی باشد؛ شعر تشویق کننده ی به بی بندوباری، به ولنگاری، به شهوترانی، به غفلت و این طور چیزها باشد؛ آن وقت حرام می شود. بنابراین، آن چیزی که شاخص حرمت و حلیت در موسیقی است و نظر شریف امام هم در اواخر حیات مبارکش - که آن نظریه را در باب موسیقی دادند - به همین مطلب بود، ممکن است موسیقی - به اصطلاح فقهی اش - موسیقی لهوی باشد. «لهو» یعنی غفلت، یعنی دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از معنویت؛ دور شدن از واقعیتهای زندگی؛ دور شدن از کار و تلاش و فرو غلتیدن در ابتذال و بی بندوباری. این موسیقی می شود حرام. اگر این با کیفیت اجرا حاصل بشود، اگر با کلام حاصل بشود؛ فرقی نمی کند. بنابراین، مرز بین موسیقی حرام و حلال؛ ایرانی بودن، سنتی بودن، قدیمی بودن، کلاسیک بودن، غربی بودن یا شرقی بودن نیست؛ «مرز» آن «چیزی است که من عرض کردم».

نظر ایه الله بهشتی درباره موسیقی در اسلام

قبل از اینکه نظر اسلام را درباره موسیقی توضیح بدهم، لازم این است این نکته را یادآوری کنم که در آیات قرآن کریم و همچنین در روایات، کلمه موسیقی یا موزیک یا معادل آن از کلمات عربی سراغ ندارم در قرآن کریم که نیست و در روایات هم تا آنجا که بخاطر دارم سراغ ندارم فقهای ما وقتی خواستند درباره حکم موسیقی در اسلام صحبت کنند مطلب را تحت عنوان حکم "غنا" در اسلام از یک طرف و همچنین حکم آلات لهو از طرف دیگر مطرح کردند، در کتابهای فقهی، یک

جا بحث درباره غنا و در کنار آن بحث درباره آلات لهو دیده می شود. کلمه لهو در قرآن کریم در چند جا آمده است.

در سوره جمعه حتماً آیه را شنیده اید: "وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْواً أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ" از روش گروهی از مسلمان های سست ایمان که به هنگام نماز جمعه و در موقعی که پیغمبر (ص) مشغول خطبه بود، اگر صدای ساز و نواز در بیرون مسجد بلند می شد یا صدای طبل کاروان تجارتی که از بیرون مکه رسیده بود به گوششان می رسید برای تماشای بساط طربی که آنجا بود یا برای معامله با کاروان قبل از اینکه دیگران به این قافله و کاروان تجارتی برسند از پای خطبه پیغمبر (ص) که در نماز جمعه ایراد می کرد پا می شدند می رفتند، در این آیه انتقاد شده: « قل ما عند الله خير من اللهو و من التجاره والله خير الرازقين » شما نباید به عنوان تجارت، کارهای تجارتی یا بعنوان تفریح و سرگرمی از پای خطبه پیغمبر در نماز جمعه بلند شوید بروید چون سودی خدا در سنتهای خود برای مردم با ایمان و درستکار مقدر و مقرر کرده به مراتب از سودی که شما از حضور در مراسم شادی و طرب و یا لهو و سرگرمی یا پیشدستی در تجارت یا کاروان تازه رسید نصیبتان می شود بیشتر است. غالباً در اینجا اینطور گفته اند که منظور از لهو در اینجا همان صدای شیپور و نقاره و طبل و این قبیل چیزهایی بوده که کاروان های تجارتی معمولاً وقتی از بیرون وارد شهر می شدند می زدند تا مردم خبر بشوند که این قافله تجارتی وارد شهر شده و بیایند با قافله معامله کنند عده ای از مردم که برای تماشا و سرگرمی می رفتند این خود این سازها؟ و علاوه بر این اصلاً دیدن و تماشای قافله سرگرمی بود عده ای هم برای تجارت و معامله می رفتند.

این همان چیزی است که حتی امروز هم هست می دانید که هنوز هم در جاهای کوچک چیزهای کهنه بخرند زنگ می زنند که نشان بدهد که اینها برای خرید آمده اند .

اما از این آیه نمی شود برای حرام بودن موسیقی و حرام بودن لهو استفاده کرد. حتی می شود گفت که آیه در صدد اینست که بگوید چرا اینان نماز پیغمبر را ترک کردند و رفتند، همینطور که با استفاده از این آیه نمی شود گفت که تجارت حرام است. در چند آیه دیگر از قرآن کلمه "اللغو" آمده و بعضی از فقها "لغو" را هم بهمان "لهو" معنی کردند و در آن آیات هم از لغو نکوهش ده اما باز حرام بودن لهو استفاده نمی شود. در سوره مؤمنون در آیه سوم در صفات مؤمنان گفته می شود: «والذين هم عن

اللغو معرضون» آنهاييکه از لغو يعني از لهُو اعراض مي کنند « لغو يعني بيهوده، لهُو يعني سرگرمي» در آيه ۷۲ از سوره فرقان باز در صفات بندگان پاک گفته مي شود « والذين لا يشهدون الزور و اذا مروا باللغو مروا كراماً» (۲) آنها که به باطل شهادت نمي دهند و يا در مجالس باطل شرکت نمي کنند و وقتي که از کنار لغو مي گذرند با بزرگواري از کنار آن مي گذرند. «و اذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه» وقتي که لغو به گوش آنها مي خورد اعراض مي کنند و روي مي گردانند اين آيات هم خواه لغو به معني لهُو باشد خواه لغو اصلاً معني مستقلي داشته باشد بيهوده، ظاهر مطلب اين است که از اين آيات هم اثبات حرمت موسيقي استفاده نمي توان کرد.

بنابراين مي توان گفت که در آيات قرآن کریم آيه اي که بتوانيم از آن حرمت موسيقي را بطور کلي حتى حرمت لغو و حتى حرمت غنا را استفاده بکنيم موجود نيست اين درباره آيات اما درباره روايات هم درباره ساز زدن، تنبور زدن و اينجور چيزها هست که به آنها آلات طرب و آلات لهُو گفته مي شود اين روايات هم کم و بيش بر حرام بودن استفاده از اين وسايل دلالت مي کند و اين روايات هم در ميان کتب شيعه هست و هم در کتب اهل سنت. درباره اين روايات بايد اجمالاً گفت که اين روايات مي خواهد بگويد غنا و همچنين استفاده از آلات طرب از قبيل ويولن ساز، انواع ديگر سازها مانند تار، تنبک، حرام است. بعضي از فقها اينطور استنباط کرده اند که اينها نمي خواهد بگويد که موسيقي بطور کلي حرام است بلکه اين روايات مي خواهد بگويد اين بساط مجالس لهُو و لعب اين بساط مجالس خوشگذراني که در زمان امام ها (ع) و در زمان پيشوايان اسلامي در خانه هاي ثروتمندان، حکام، فرمانداران، صاحبان ثروت و قدرت معمول بوده، مجموعاً حرام است. در حقيقت اين روايات در صدد بيان حرمت آن سبک موسيقي و آن سبک مجالس عياشي که در زمان پيشوايان ديني ما در خانه ها و در محل هاي زندگي بسياري از اشراف و ثروتمندان معمول بوده و مي باشد.

و اين مجالس مجالسي بوده که در آن خوانندگي به عنوان نمک آش استفاده مي شود يعني خوانندگي و نوازندگي براي تشويق شرکت کنندگان به گناهان ديگر بوده است، اصلاً اين نوع خوانندگي و نوازندگي به اين معنا که در آن مجالس زنان با مردان شرکت مي کردند و مجالس، مجالس عياشي، هوسراني، هرزگي، زنا، فسق و فجور بوده و ترانه هايي بوده تشويق کننده به اين کار، حرام است. بنابراين خلاصه مطلب چنين است: که هر آوازه خواني حرام نيست، هر نوازندگي حرام

نیست آن نوع از آوازه خوانی و آن نوع از نوازندگی که شنونده یا حاضران در یک مجلس را به گناه می‌کشاند و اهتمام آنها را به رعایت قوانین پاکی و تقوی ضعیف می‌کند اراده آنها را برای گناه نکردن و به گناه آلوده نشدن سست می‌کند و آنها را به شرکت در گناه تشویق می‌کند نوع موسیقی حرام است.

اما اگر آوازه خوانی یا حتی موسیقی هست که این اثر را ندارد حرام نیست. این رأی برخی دیگر از دانشمندان و فقها است که این روایات را اینطور فهمیده‌اند. بنابراین درباره موسیقی در اسلام اینطور گفت که هر نوع آوازه خوانی و هر نوع موسیقی که شنونده را به شهوترانی مخصوصاً به بی‌پروایی در گناه کاری می‌کشاند، شنونده را برای ارتکاب فسق و فجور و کارهای خلاف عصمت و پاکی و تقوی بی‌پروا می‌کند، انگیزه‌های شهوت در او چنان برمی‌انگیزد. تا در ارتکاب گناه خدا، قانون خدا، تعالیم پیغمبران، رعایت پاکی و تقوی را و رعایت ارزشهای عالی انسانی را فراموش کند (ولو موقتاً فراموش کند) در اسلام حرام است، این قدر مسلم است اما آوازه خوانی‌های دیگر و موسیقی‌های دیگر را نمی‌شود گفت بطور مسلم در اسلام حرام شده است حالا توجه می‌کنید به اینکه حتی کلمه لهُو و همچنین کلمه لغو هم چقدر با این موسیقی مناسب است. در کلمات فقها گفته می‌شود: اللهُو ما؟ عن ذکر الله لهُو آنی است که آدمی را از یاد خدا غافل می‌کند. در این از یاد خدا غافل کردن، مرحله خاصی از غفلت از یاد خدا را می‌خواهد بیان کند و آن مرحله خاص این است که آدم با ایمان هر وقت با گناهی روبرو می‌شود و هر وقت با لغزشی روبرو می‌شود خودبخود بیاد خدا می‌افتد. اینکه چون اینکار حرام است، خدا گفته نکن پس نکنم. این حالت که برای یک انسان با ایمان در برخورد با گناه دست می‌دهد این یکی از ضامن‌های مؤثر در حفظ پاکی و فضیلت در مردم است. اصلاً یکی از مهمترین ارزشهای ایمان این است که ایمان پلیس باطن است.

وقتی انسان تک و تنها هم نشسته با گناهی روبرو می‌شود. ایمان درونی و وجدان الهی بر او نهیب می‌زند که خدا ناظر اعمال توست! نکن! این توجه به خدا، از مهمترین ارزشهای تربیتهای دینی است بنابراین خود بخود آن نوع از موسیقی و آن نوع از آوازه‌خوانی که در آدمی این توجه را ضعیف کند تا آن حد ضعیف کند که انسان وقتی با گناه روبرو می‌شود اصلاً دیگر یادش نباشد که خدایی هست و بی‌پروا گناه بکند حتی با شوق و رغبت به گناه آلوده بشود البته حرام است، من فکر می‌کنم که اگر

هیچ آیه‌ای و هیچ روایتی هم در این باره نبود و فقط ما بودیم و تعالیم اسلام و بلکه تعالیم ادیان درباره ارزش ایمان استنباط می‌کردیم که این نوع موسیقی حرام است. خلاصه کنم: آن نوع از آوازه‌خوانی و ترانه‌خوانی که می‌دانید بسیاری از ترانه‌هایی که مخصوصاً زن‌های ترانه‌خوان می‌خوانند، وقتی در مجلسی خوانده می‌شود عده‌ای را در ارتکاب گناه بی‌اختیار می‌کند حرام است بنابراین آن نوع موسیقی‌ها، آن نوع ترانه‌ها، آن نوع نوازندگی‌ها، آن نوع خوانندگی و نوازندگی که در شنونده این اثر را می‌گذارد که او را در ارتکاب گناه بی‌پروا می‌کند بطوری که در برخورد با گناه یا اصلاً یاد خدا نیست یا دیگر یاد خدا برایش آنقدر ضعیف است که این اثر ندارد که او را از گناه باز بدارد و این ضعف و این تضعیف یاد خدا نتیجه این خوانندگی و نوازندگی باشد، چنین خوانندگی و چنین نوازندگی که این اثر تضعیف‌کننده ایمان و پروای از گناه را داشته باشد حرام است

حکمت ها، آثار و فلسفه حرمت موسیقی

گرایش به فساد

غنا و آواز مطرب لهوی، انسان را به سوی فساد اخلاقی می کشاند؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «غنا نردبان زنا است» [2]؛ یعنی مقدمه آن

بی غیرتی -

امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر در منزلی چهل روز نوای موسیقی پخش شود، شیطان وارد شده، چنان قدرت نمایی کند که غیرت و حفظ ناموس را از او بردارد، آنچنانکه حتی اگر به ناموس وی هم [3] تجاوز شود، در نزد او اهمیتی ندارد

[4]. همچنین فرمود: «خانه ای که در آن غنا باشد، از فساد و فحشا مصون نخواهد بود

در حدیث دیگری آمده: «... ایاکم و الغناء، فانه ينقص الحياء ... [5]» «از غنا و موسیقی دوری کنید زیرا موسیقی حیا را از بین می برد، شهوت را زیاد می کند. مردانگی را نابود می سازد، و هر کاری که شراب می کند موسیقی هم انجام می دهد»

غفلت از یاد خدا

قرآن یکی از عوامل گمراهی را «لهو الحدیث» دانسته است

لهو» چیزی است که انسان را چنان مشغول کند که باعث غفلت و بازماندن از کارهای مهمتر شود. «امام صادق (علیه السلام) فرمود: «گوش دادن به غنا، قساوت قلب می آورد. [6] و در نتیجه باعث «فراموشی خدا و معنویت می شود و اعتقادشان به جهان پس از مرگ سست خواهد شد»

تضعیف اراده و شکست شخصیت

شنیدن و نواختن موسیقی، آن چنان اراده را سست و غریزه جنسی را تحریک می کند که شخص را بی اراده و بدون اختیار به حرکت در می آورد و شخصیت انسانی خود را در اختیار نوازنده و خواننده قرار می دهد.

ضعف اعصاب و بهم خوردن تعادل روان

از موضوعاتی که روی تمام بدن اثر می گذارد، موسیقی است؛ زیرا موسیقی در سیستم سمپاتیک و پاراسمپاتیک اثر داشته و تعادل روان را بر هم می زند و به دنبال آن سلامتی بدن را تحت فشار قرار می دهد. موسیقی با نواهای حزن آمیز و یا آهنگ های نشاط انگیز خود، گاهی آنچنان تعادل اعصاب را از بین می برد که جذب، دفع، هضم، ترشحات، ضربان قلب و فشارخون و مایعات دیگر را مختل ساخته و شخص را به امراض فراوانی نزدیک می کند.

همچنین در اثر فشار شدیدی که تحریکات خارجی موسیقی روی اعصاب وارد می کند، قدرت اندیشه را از انسان گرفته و آثار جنون و مرض هائی [7] در افراد آن ظاهر می شود که به نمونه هایی اشاره می شود

هفتاد و پنج درصد (75٪) موسیقی دانان اسیر آشفتگی های فکری بودند. بتهوون، شوبرت، دووراک، شومان، نیچه از آن دسته موسیقی دانانی بودند که دیوانگی و جنون گریبان گیرشان شد. مندلس، باخ، اول و شوپن هم از آن دسته گروه موسیقی دانانی می باشند که در اثر اختلالات روانی تا سرحد جنون گام نهادند.

مجله روشنفکری درباره یک کنسرت موسیقی می نویسد

وقتی دخترها و پسرها آهنگهای تند و رعشه انگیزشان را مترنم می سازند، سالن به لرزه می افتد، « دخترها جیغ میکشند، به سر و گوش هم مشت می کوبند، غش می کنند، موهای خود را چنگ چنگ [8] میکند و پسرها از هوش می روند

در ملبورن پنجاه هزار نفر بعد از گوش دادن به یک کنسرت موسیقی چنان به هیجان آمدند که « ناگهان همه به هم ریختند و بدون جهت یکدیگر را زخمی کردند و تا آمدن پلیس، چند نفر به ضربه [9] چاقو از پای در آمدند، به چند نفر تجاوز شد و تعداد زیادی مجروح شدند

بنا براین به گواهی برخی پزشکان، غنا و موسیقی آثار زیانباری بر روی اعصاب داشته و شخص را [10]. دچار افسردگی و مبتلا به فشار خون می کند

شاید هر نوع موسیقی برای اعصاب زیان بار نباشد، بلکه استفاده زیاد و افراط باعث تخدیر شود، ولی باید توجه داشت که پیامدهای منفی معنوی آن را راحتی در سایر موارد نباید کوچک شمرد

از این روی آموزش دادن موسیقی مطرب و لهوی حرام است، در آمدی هم که از این راه به دست می آید حرام می باشد و حتی خرید و فروش و نگهداری آلات مخصوص لهو و لعب حرام می باشد و حتی خرید و فروش و نگهداری آلات مخصوص لهو لعب حرام می باشد

عواقب اخروی موسیقی

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «کسی که ابزار موسیقی را در خانه اش نگه دارد، روز قیامت در حالی محشور می شود که روسیاه است، به دستش تنبور و آلت موسیقی آتشین جهنم است و بالای سرش هفتاد هزار فرشته عذاب، همراه با گریزی که در دست دارند بر سر و صورتش می کوبند و کسی که اهل غنا و موسیقی است از قبرش نابینا گنگ و کر بیرون می آید. همچنین زناکار و [11]». آنکه فلوت و دایره می زند نیز همانند ایشان کور، کر و لال محشور می شود

مأموریت پیامبر (ص)

رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي هَدًى وَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَ أَمَرَنِي أَنْ أَمْحُوَ الْمَزَامِيرَ وَ [12]... الْمَعَارِفَ وَ الْأُوتَارَ»

خداوند مرا برای هدایت و رحمت جهانیان مبعوث نمود، و دستور داد تا آلات غنا و موسیقی، مانند: نای، تنبور، تار و... را از بین ببرم.

برخورد و عکس العمل ائمه (علیهم السلام) با موسیقی

بُشر حافی

حضرت موسی بن جعفر (ع) از کوچه های بغداد عبور می کرد، صدای ساز و آوازی شنید؛ دید که از خانه ای کنیزی بیرون آمد

حضرت به آن کنیز فرمود: صاحب این خانه آزاد است یا غلام؟

- آزاد است

- راست گفتی، اگر بنده بود از مولای خود می ترسید

کنیز به خانه برگشت، بُشر از او پرسید: چرا دیر کردی؟ و وقتی کنیز داستان را برای ارباب خود نقل کرد، بُشر با پای برهنه خدمت حضرت موسی بن جعفر (ع) رسید و از اعمال انحرافی خود، در محضر آن جناب توبه کرد

برخورد حضرت علی (ع) با نوازنده

حضرت علی (ع) دید مردی نوازندگی می کند، او را موعظه نمود و از عملش نهی کرد و دستور داد.
وسیله نوازندگی او را شکستند، آنگاه فرمود: از این عمل زشت توبه کن

پس از توبه آن مرد، حضرت فرمود: آیا می دانی که موقع نواختن، ساز چه معنائی را می رساند؟

نه! وصی پیامبر (ص) بهتر می داند -

حضرت علی (ع): هنگامی که ساز نواخته می شود، زبان حالش چنین است

به زودی پشیمان می شوی، به زودی پشیمان می شوی، به زودی وارد جهنم می شوی ای نوازنده
[13].من

تیره بختی شنونده موسیقی

مردی به امام صادق عرض کرد: همسایگان من کنیزانی دارند که آواز می خوانند و با عود (یکی از آلات موسیقی) می نوازند. چه بسا به هنگام قضای حاجت نشستم را طول می دهم، تا صدای آنها را بیشتر بشنوم

امام فرمود: این کار را نکن. در روز قیامت در برابر خداوند هیچ عذری نداری؛ مگر سخن حق را نخواندی که می فرماید: گوش، چشم، دل، مسئولند و در برابر کارهایی که کرده اند، مورد سؤال [14]. واقع می شوند

مرد عرض کرد: به خدا سوگند گویا این آیه را تاکنون نخوانده و نشنیده بودم. دیگر به خدا این کارها را انجام نمی دهم و از ام آمرزش می طلبم

امام سپس فرمود: برخیز و غسل کن و آنچه می توانی نماز بخوان، چون تاکنون به گناه بزرگی [15]. مشغول بودی و چه بد حال و تیره بخت بودی اگر بدون توبه و بر این حال از دنیا می رفتی

داستان همسایه ابابصیر

ابو بصیر می گوید: همسایه ام چند کنیز آوازه خوان و گروهی مطرب داشت، به طور دایم مجلس لهو و لعب و مشروب خواری او و دوستانش برپا بود. من که تربیت شده ی فرهنگ اهل بیت علیهم السلام بودم از این وضع نگرانی سختی داشتم، روحیه ام آزرده بود، در رنج فراوانی بسر می بردم، بارها با

زبانی نرم با همسایه سخن گفتم، گوش نداد، به اصرار زیادی برخاستم توجه نکرد، ولی از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نکردم تا روزی به من گفت: من مردی مبتلا به هوا و شیطانم، تو اگر وضع مرا برای امام بزرگوارت حضرت صادق علیه السلام تعریف کنی شاید با توجه حضرت صادق علیه السلام و دم عیسوی آن امام بزرگوار، از این آلودگی فساد و از این شرّ و بدبختی نجات پیدا کنم.

همسایه باید از هر جهت همسایه ی خود را رعایت کند، همچون برادری مهربان با همسایه معامله نماید، به درد همسایه برسد، مشکلاتش را حل کند، در امور زندگی به او کمک دهد، در حوادث روزگار به یاری او برخیزد، ولی همسایه ی ابو بصیر این گونه نبود، در دولت ستمکار بنی عباس شغل: پردرآمدی داشت، با تکیه بر آن دولت ثروت زیادی به چنگ آورده بود. ابو بصیر می گوید

همسایه ام چند کنیز آوازه خوان و گروهی مطرب داشت، به طور دایم مجلس لهو و لعب و مشروبخواری او و دوستانش برپا بود. من که تربیت شده ی فرهنگ اهل بیت علیهم السلام بودم از این وضع نگرانی سختی داشتم، روحیه ام آزرده بود، در رنج فراوانی بسر می بردم، بارها با زبانی نرم با همسایه سخن گفتم، گوش نداد، به اصرار زیادی برخاستم توجه نکرد، ولی از امر به معروف و نهی از منکر غفلت نکردم تا روزی به من گفت: من مردی مبتلا به هوا و شیطانم، تو اگر وضع مرا برای امام بزرگوارت حضرت صادق علیه السلام تعریف کنی شاید با توجه حضرت صادق علیه السلام و دم عیسوی آن امام بزرگوار، از این آلودگی فساد و از این شرّ و بدبختی نجات پیدا کنم

ابو بصیر می گوید: سخنش را پذیرفتم، حرفش را قبول کردم، پس از مدتی در مدینه خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم و اوضاع همسایه ام را برای حضرت توضیح دادم و نگرانی سخت خود را به امام باکرامتم اظهار نمودم

امام فرمودند: چون به کوفه برگردی به ملاقات می آید، از قول من به او بگو اگر کارهای زشت خود را ترک کنی، از لهو و لعب دست برداری و با تمام گناهانت قطع رابطه نمایی، بهشت را برای تو ضامن می شوم. چون به کوفه برگشتم دوستان به دیدنم آمدند، او هم آمد، وقتی خواست برود به او

گفتم: نرو زیرا با تو سخنی دارم، چون اطاق خلوت شد و جز من و او کسی نماند، پیام حضرت صادق را به او رساندم و اضافه کردم امام صادق علیه السلام به تو سلام رسانده

همسایه ام با تعجب گفت: تو را به خدا سوگند می دهم، امام صادق به من سلام رسانده و به شرط توبه از گناه، بهشت را برای من ضامن شده؟! قسم خوردم که متن این پیام همراه با سلام از جانب حضرت صادق برای توست.

گفت: ابو بصیر، مرا بس است. پس از چند روز پیام داد می خواهم تو را ببینم، به در خانه اش رفتم در زدم، آمد پشت در، در حالی که لباسی به تن نداشت، گفت: ابو بصیر، آنچه در اختیارم بود به محلّ معینش رساندم، از تمام اموال حرام سبک شدم، از تمام گناهانم قطع رابطه کردم.

برای او لباس آماده نمودم و گاهی به دیدنش می رفتم و اگر مشکلی داشت رسیدگی می نمودم. یک روز برایم پیام فرستاد که در بستر بیماری گرفتارم، به عیادتش رفتم، عیادت از او و رعایت حالش ادامه یافت، تا روزی به حال احتضار افتاد، در آن حال برای چند لحظه بیهوش شد، چون به هوش آمد، در حالی که لبخند به لب داشت به من گفت: ابو بصیر، امام صادق علیه السلام به وعده اش وفا کرد، سپس از دنیا رفت.

در آن سال به حج رفتم، پس از حج برای زیارت قبر پیامبر و ملاقات با امام صادق علیه السلام به مدینه مشرف شدم، چون به دیدن امام رفتم یک پایم در اطاق و پای دیگرم بیرون بود که حضرت صادق علیه السلام به من فرمودند: ابو بصیر، من نسبت به همسایه ات به وعده ای که داده بودم وفا کردم.^۵

آیت الله شاه آبادی و روش مناسب برای نهی از منکر

در نزدیکی منزل ایشان در خیابان امیر کبیر، دکتری بود به نام ایوب که برای دخترانش معلم موسیقی آورده بود و صدای موسیقی بلند بود، به گونه ای که از صدای آن ها، همسایه ها ناراحت بودند.

۵. کشف الغمّه، 2/ 194؛ بحار الأنوار: 47/ 145، باب 5، حدیث 199^۵

ایشان برای دکتر پیغام فرستاد و از او خواست که از این کار دست بردارد، اما دکتر جواب داده بود که من این کار را ترک نمی‌کنم و شما هر اقدامی که می‌خواهید بکنید. مرحوم شاه آبادی تا روز جمعه صبر کردند و آن گاه در جلسه روز جمعه که در مسجد شاه سابق تشکیل شده بود، به مردم گفتند:

«خوب است از این به بعد هر کس از این خیابان عبور می‌کند چون به مطب این دکتر رسید، داخل مطب شده و سلام کند و آن گاه با خوشرویی از او بخواهد که آن عمل خلاف خود را ترک کند.» از آن پس، هر کس از جلو مطب عبور می‌کرد، برای انجام وظیفه‌ی شرعی خود، داخل مطب می‌شد و سلام کرده، موضوع را با زبان خوش در میان می‌گذاشت و خارج می‌شد. چند روز به این منوال گذشت و دکتر هر روز با صدها مراجعه‌کننده مواجه می‌شد که همگی یک مطلب را به او تذکر می‌دادند. وی دید اگر بخواهد به لجابت خود ادامه دهد، نه تنها باید مطب خود را تعطیل کند، بلکه مجبور است از آن خیابان هم کوچ کند.

از این رو دست از ایجاد مزاحمت برداشته، جلسه‌ی آموزش دخترانش را تعطیل کرد. در یکی از روزها که ایشان به طرف مسجد در حرکت بود، دکتر ایوب را دید که به طرف او می‌آید. وقتی نزدیک شد، از شدت خنده نمی‌توانست سلام کند، و بالاخره پس از سلام و احوال‌پرسی گفت: آقای شاه آبادی، با قدرت ملت کار را تمام کردی و من گمان می‌کردم شما به مراجع قانونی و محاکم قضایی مراجعه می‌کنید که من به سادگی می‌توانستم جواب آن‌ها را بدهم و هرگز درباره‌ی این روش مردمی نیندیشیده بودم.

ریختن سرب ذوب شده در گوش‌ها

همچنین رسول خدا (ص) فرمود: کسی که به لُهو و موسیقی مطرب گوش دهد، در روز قیامت در

[16] گوشش سرب آب کرده ریخته می‌شود. (مَنْ إِسْمَعَ إِلَى اللَّهِ يُذَابُ فِي أُذُنِهِ الْآنَكَ)

آثار دیگر موسیقی

روی گردانی خدا

از امام صادق (ع) در مورد غنا سؤال شد، امام (ع) فرمود: «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ اللَّهِ مُعْرِضِينَ عَنْ أَهْلِهَا» [17] به خانه ای که خداوند از اهلش روی گردانده، وارد نشوید.

رفتن برکت

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ فِيهِ خَمْرٌ أَوْ طَبُورٌ أَوْ نَرْدٌ وَلَا تُسْتَجَابُ دُعَائُهُمْ وَتَرْفَعُ عَنْهُمْ» [18] البرکة

فرشتگان به خانه ای که شراب، وسایل موسیقی و قمار، مانند: تنبور و نرد در آن باشد وارد نمی شود و دعای اهل خانه مستجاب نمی گردد و خیر و برکت هم از آنجا می رود.

مرگ ناگهانی و کوتاهی عمر

«[19] امام صادق (ع) فرمود: «بَيْتُ الْغِنَا لَا تَوْمِنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَلَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَلَا يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ»

خانه که در آن غنا باشد، از مرگ و مصیبت دردناک ایمن نیست و دعا در آن به اجابت نمی رسد و فرشتگان وارد آن نمی شوند

از آیات و روایات استفاده می شود که اعمال خیر، بر وسعت رزق و طول عمر می افزاید؛ در مقابل گناه و لهو و لعب و موسیقی مطرب، برکت را برده و عمر انسان را کوتاه می کند

اسامی زیر از جمله مروجین موسیقی هستند که با وضع نامناسب و مرگ ناگهانی و عمر کوتاه از دنیا رفته اند

مالیران، استاد معروف موسیقی در حال خواندن آواز، در سن 27 سالگی سخته کرد

برخی موسیقی دانان به وسیله خودکشی به زندگی خود خاتمه دادند، از آن جمله: «شومان» موسیقی دان مشهوری را می توان نام برد که با انداختن خود به رودخانه «راین» خودکشی کرد

پرگولوزی – نوازنده ایتالیایی، در سن 26 سالگی

بلینی - نوازنده ایتالیایی، در سن 34 سالگی

موریس ژوبر - نوازنده فرانسوی، در سن 40 سالگی

شوسون - نوازنده فرانسوی، در سن 30 سالگی

مندلس - نوازنده آلمانی، در سن 38 سالگی

شوبرت - نوازنده اطریشی، در سن 31 سالگی

موزارت - نوازنده اطریشی، در سن 35 سالگی

[20] حبیب سماعی - نوازنده ایرانی، در سن 45 سالگی

:ضرر موسیقی از دیدگاه دانشمندان جهان

براساس نظر بسیاری از روانشناسان و دانشمندان [21]، موسیقی احساسات بشر را در مسیر غیرعادی توسعه می دهد و انسان را در یک عالم ناخودآگاهی کامل فرو می برد و قوه خیال بافی غیرواقعی را در انسان زیاد می کند.

هگل، فیلسوف مشهور آلمانی می نویسد :

ذکر و عبادت مسلمانان در معابد بی آرایش خود فکر می آورد، ودعای مسیحیان در کلیسا با عربده «
»[22] ناقوس و نقس نگار در و دیوار، تشویش خاطر و انصراف ناظر

کانت، فیلسوف معروف آلمانی

موسیقی اگر از همه هنرها مطبوع تر باشد، ولی چون به بشر چیزی نمی آموزد، از تمام هنرها پست «
»[23]تر است

دکتر آرنولد فریدمانی، پزشک بیمارستان نیویورک و رئیس کلینیک سردرد، با کمک دستگاه های
الکترونی تعیین امواج مغز و مراجعه هزاران بیمار ثابت کرده که

یکی از عوامل مهم خستگی های روحی و فکری و سر درد های عصبی، گوش به موسیقی رادیو «
»[24]است

گوتیه می گوید: موسیقی، عزیزترین ولی نامطلوب ترین سروصدا هاست؛ جداً من سکوت را بر دل
[25]. انگیز ترین نغمه ها ترجیح می دهم

*فتاوی مراجع تقلید در غنا و موسیقی

پرسش 1- مجلس لهُو و لعب چه نوع مجلسی است؟

ج- مجلسی که برای عیاشی هوس رانی و رقص تشکیل شده و نزد متدینین مجلس گناه محسوب
میشود. اگر هر موسیقی به صورتی نواخته شود که مناسب آن باشد گوش دادن به آن حرام
[26]. است

پرسش 2- اگر شنیدن موسیقی هیچ گونه تاثیری در انسان نداشته باشد باز حرام است؟

ج- همه ی مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام باشد گوش دادن جایز نیست هر چند تاثیری نداشته
[27]. باشد

پرسش 3- به مجلس عروسی و ... دعوت شدیم در اثنای امر موسیقی مبتذل پخش کردند تکلیف چیست ؟

ج- همه ی مراجع اگر احتمال تاثیر می دهید با فراهم بودن شرایط نهی از منکر کنید و اگر نمی پذیرند چنانچه حضور شما باعث استماع موسیقی حرام یا تایید گناه می شود باید مجلس را ترک [28]. کنید مگر عسر یا حرج لازم آید

پرسش 4- در اتوبوسی که نوار مبتذل پخش می کنند و تذکر فایده ای ندارد حکم گوش دادن به آن چگونه است ؟

ج- اگر نهی از منکر را نمی پذیرد چنانچه باعث استماع حرام شود یا تایید گناه شود باید پیاده شوید [29]. ولی اگر بطور ناخود آگاه به گوش شما برسد اشکال ندارد

پرسش 5- گاهی از صدا و سیما و دستگاه های صوتی دیگر آهنگ هایی پخش می شود که به نظر من مناسب با مجالس لهو و خوشگذرانی است در حالی که در نظر دیگران چنین نیست آیا میتوانم آنها را از گوش دادن منع کنم؟

ج- همه ی مراجع: بر شما واجب است به آنها گوش ندهید ولی نهی دیگران مبتنی بر این است که آنها [30]. هم حرام بدانند

پرسش 6- در خوابگاههای دانشجویی با کسانی که به موسیقی حرام گوش میدهند چه باید کرد؟

ج- با احتمال تاثیر و فراهم بودن شرایط باید نهی از منکر کنید و یا به مسئولان دانشگاه اطلاع دهید و [31]. اگر نمی پذیرند واجب است از گوش دادن به آن اجتناب کنید

پرسش 7- ملاک در تشخیص موسیقی حرام نوع مردم است یا شخص؟

[32]ج- همه مراجع: نوع مردم متدین و عرف عام نه شخص مکلف

پرسش 8- آیا میان انواع موسیقی ها از قبیل اصیل (سنتی)، کلاسیک، محلی، پاپ و ... تفاوتی در حکم وجود دارد؟

ج- همه مراجع: خیر هیچ تفاوتی نبوده و معیار حرمت استماع موسیقی، مطرب و لهنوی بودن آن [33]. است

پرسش 9- منظور از «مطرب و لهنوی بودن» موسیقی چیست؟

ج- «طرب» حالت سُبُک عقلی است که در اثر شنیدن موسیقی انسان را از حد اعتدال خارج می کند. این امر تنها به حالت شادی مختص نبوده و آهنگهای حزن آور را نیز شامل می شود

مقصود از «لهوی» بودن سازگاری آواز و آهنگ با مجالس فساد و خوشگذرانی است، یعنی ممکن است نغمه ای طرب انگیز نباشد ولی نوعاً در جلسات فاسقان و گناه رایج باشد، همه مراجع تقلید «لهوی بودن» را جزء و قید اصلی موسیقی حرام می دانند

پرسش 10- حکم تکثیر ترانه، خرید و فروش و نگهداری آلات موسیقی چیست؟

ج- اگر از آلاتی است که به لهو و حرام اختصاص دارد نگهداری آنان جایز نیست و باید آنها را از [34]. بین برد ولی آلات مشترک - که منفعت حلالی در بر داشته باشد - اشکالی ندارد

پرسش 11- آیا مجوز ارشاد در حکم تک خوانی و یا جمع خوانی زن و مرد تأثیری دارد؟

[35]. ج- همه مراجع: مجوز وزارت ارشاد و یا هر نهاد دیگری تأثیری در حکم ندارد

پرسش 12- آیا زن و شوهر به خاطر تمایل به یکدیگر، می توانند به موسیقی گوش دهند؟

ج- همه مراجع: گوش دادن به موسیقی حرام جایز نیست و صرف افزایش تمایل به همسر، مجوز [36]. شرعی برای استماع محسوب نمیشود

پرسش 13- بعضی مراکز دولتی و خصوصی کلاسهای آموزش موسیقی و تئاتر برای دختران تشکیل داده و مرییان مرد آموزش می دهند، تشکیل چنین کلاسهایی و شرکت دختران در آنها جایز است یا خیر؟

ج- موسیقی لهوی، تعلیم و تعلم و اجرت گرفتن برای آن حرام است و اینها مظاهر فساد است که [37]. بخاطر مسامحه ی بعضی متصدیان شروع شده است

پرسش 14- برخی متصدیان فرهنگی کشور، با برپایی جشنواره های موسیقی هدایایی را به عنوان تشویق به موسیقی دانان می دهد، صرف بیت المال و اهدای هدایا به این گونه افراد جایز است؟

ج- تشویق کسانی که موسیقی لهوی می زنند حرام است و کسی که اموال عمومی را صرف آنها می [38]. کند ضامن است و نزد خداوند متعال مسئول اعمالش می باشد

!حرف آخر؛ موسیقی، حق یا باطل

از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: موسیقی از نظر خدا و شرع چه حکمی دارد؟

حضرت فرمودند: وای بر تو! اگر عمل حق و باطل را بخواهند از هم جدا کنند، موسیقی کدام طرف قرار دارد؟

عرض کرد: در طرف باطل.

حضرت: همین مقدار که می دانی موسیقی باطل است، برای تو کافی بوده و لازم است انسان دوری [39]. گزیند

حسن ختام

گوش کن دوست اگر عاقلی و پاک سرشت

جایگاهت بکند خلق افلاک بهشت

موسیقی کور کند چشم جهان بینت را

[40] می رباید ز کَفَّت عقل و دل و دینت را

والسلام علی من اتبع الهدی

یاسین کمالی وحدت

1. سوره لقمان ، آیه 6 .

2/ بحار الانوار، ج 76، باب 99 (باب الغناء)

3. وسائل الشیعه، ج 12، ص 232، کافی ، ج 6، ص 433

4. کافی، ج 6، (باب الغناء)

5. الدر المذشور، ج 5، ص 308

6. ان الملاهی ثورث قساوه القلب؛ مستدرک الوسائل، ج 13، ص 18»

7. نوعی جنون که دارای درجات متعددی است Maine

8. تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب، به نقل از مجله روشنفکری، شماره 556 ص 26

9. موسیقی از نظر دین و دانش، ص 20 کیهان شماره 6265، از قول خبرگزاری رویتر

10. ر.ک: تفسیر نمونه، جلد 17، ص 24 الغنا فی الاسلام، ص 151

11. مستدرک السائل، ج 2 ص 459، چاپ قدیم. ج 13 ص 219 چاپ جدید، جامع الاخبار ص 180

12. مستدرک الوسائل، ج 13، ص 219؛ ج 2، ص 458، به چاپ قدیم

13. سفینه البحار، ج 2، ص 519؛ مستدرک الوسائل، ج 2، ص 457

14. اسراء / 38

15. کافی، ج 6، ص 432؛ مستدرک الوسائل، ج 13، ص 221؛ المیزان، ج 13، ص 107،

16. مستدرک الوسائل، ج 13، ص 219؛ ج 2، ص 458، به چاپ قدیم

17. کافی، ج 6، ص 432

18. وسائل الشیعه، ج 12، ص 235؛ مستدرک الوسائل، ج 13، ص 218

19. کافی، ج 6، ص 433

20. ر.ک: تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان؛

21. مانند: ویکتور هوگو، نویسنده مشهور فرانسه؛ آرون کوپلند و لئون تولستوی، نویسنده روسی

22. مناظره دکتر و پیر، ص 452-453، به نقل از «مبانی فلسفه هگل

23. تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان، ص 135

24. موسیقی از نظر دین و دانش، ص 135؛ به نقل از مجله نیوزویک

25. هنرمند کیست؟ ص 113 ، به نقل از اندیشه های مردان بزرگ

.منتخب از احکام موسیقی ص 40 به بعد *

26. مکارم، استفتائات، ج 2 س 704، بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م 20

27. امام، استفتائات، ج 3 سئالات متفرقه، س 110

28. مکارم، استفتائات، ج 1 س 1160

29. استفتاء از دفتر همه مراجع

30. فاضل، جامع المسائل، ج 1، س 929

31. استفتاء از دفتر مهم مراجع

32. مکارم، استفتائات، ج 2 س 659

33. خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س 1127، مکارم، استفتائات، ج 1 س 527

34. استفتاء از دفتر همه مراجع

35. خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س 1128 و 1139

36. خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س 1152 و 1155

37. استفتاء از دفتر تبریزی

38. استفتاء از دفتر تبریزی و مکارم

39. مستدرک الوسائل ج 3 ص 457

40. هنرمند کیست ص 120

موسیقی و انحرافات اخلاقی

یکی از مهم ترین علل ممنوعیت موسیقی حرام در اسلام آنست که موسیقی حرام کم کم انسان را به فحشا و منکرات می کشاند.

«پیامبر اکرم (ص) 1400 سال قبل فرمود: «الغناء رقیة الزنا؛⁶ غنا نردبان زنا است

به قول یکی از نویسندگان: «خواندن قرآن با صدای دلنشین انسان را به فکر وادار می دارد، به خودشناسی که مقدمه خداشناسی است دعوت می کند ولی ترانه.... آدمی را غرق در دریایی از هوس و آلودگی می سازد.»⁷

موسیقی بتدریج حس ناموس دوستی و غیرت را در انسان ریشه کن می کند، زیرا موسیقی چنان تصرفاتی در عقل و اندیشه و اخلاق می نماید که انسان حاضر می شود لحظه عیش و نوش و رقصیدن را بر حفظ ناموسش ترجیح می دهد این حقیقت در مجالس های مختلط و رقص های دسته جمعی و شب نشینی های آنچنانی به خوبی خود را نشان داده است و در غرب به صورت واضح دیده می شود دقیقاً نیمی از جوانان آمریکا با روابط جنسی افراد متأهل با دیگران مخالفتی نداشته، وفاداری زوجین « به یک دیگر را امری بیهوده و بی مورد می پندارند.⁸ این یعنی بی غیرتی و گرفتار زنا و فحشا شدن یکی از عواملش از دست دادن غیرت است.

گوش کن دوست اگر عاقلی و پاک سرشت

جایگاهت بکند خالق افلاک بهشت

موسیقی کور کند چشم جهان بینت را

حار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، ج 79، ص 247 ح 26⁶

ساز و آواز، ص 82⁷

اینگلهارت، تحوّل فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، ص 500،⁸

می رباید ز کفت عقل و دل و دینت را⁹

پایان بخش سخن را کلام امام راحل قرار می دهیم که می گوید: «از جمله چیزهایی که مغز جوان ها را تخدیر می کند، موسیقی است... انسان را از جدّیت بیرون می برد. یک جوان که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سر و کار داشته باشد، یک جوانی که اکثر اوقاتش را صرف بکند و پای موسیقی بنشیند... از مسائل زندگی و از مسائل جدّی به کُلّی غافل می شود... نباید دستگاه تلویزیون (و رادیو) جوری باشد که 10 ساعت موسیقی بخواند!

⁹ ساز و آواز، ص 93